

بررسی سازگاری مالیات بر عایدی سرمایه

با اهداف اقتصاد اسلامی

نوع مقاله: پژوهشی

علیرضا لشکری^۱

روح الله عبادی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۵

چکیده

هر ابزار سیاستی در اقتصاد اسلامی با ملاحظه منفعت خالص اجتماعی، تطابق با قوانین شرعی و سازوکار تأمین هدف مورد نظر طراحی می‌شود. تأمین اهداف دولت در بخش مالیات از طریق گسترش پایه‌های مالیاتی جدید و بهبود عملکرد پایه‌های مالیاتی موجود با رویکرد توزیعی، تخصیصی و سیاست‌گذاری صورت می‌گیرد. از سوی دیگر افزایش واقعی ثروت و دارایی یک کشور وابسته به رشد فعالیت‌های مولد، ارزش آفرین و تولیدی بوده و انباشت سرمایه و کیفیت سرمایه‌گذاری برای فراهم‌سازی بستر مناسب تولید لازم و ضروری می‌باشد. مالیات بر عایدی سرمایه به عنوان ابزاری برای دولت در جهت مدیریت منابع در بازارهای مختلف، زمینه تعییر رفتار و کنترل منافع بازیگران اقتصادی را در جهت منافع عمومی دنبال نموده و بر تحرک و جریان سرمایه و تصمیمات سرمایه‌گذاری تأثیر می‌گذارد. در این تحقیق به روش توصیفی- تحلیلی با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و اسناد فقهی سازگاری مالیات بر عایدی سرمایه^۳ با اهداف اقتصاد اسلامی و شباهت و تفاوت آن با مالیات اسلامی خمس برسی شد. با درنظرگرفتن اهداف عالی، میانی و عملیاتی در اقتصاد اسلامی، مالیات بر عایدی سرمایه از طریق کارکردهایی نظیر کمک به تضعیف فعالیت‌های غیرمولد، کاهش انگیزه‌های سوداگرانه، هدایت سرمایه و تقدیمگی به فعالیت‌های مولد، افزایش درآمدهای مالیاتی دولت و ... در تحقق اهداف عدالت اقتصادی، تأمین منافع عمومی، رفاه و ثبات اقتصادی اقتصاد اسلامی مؤثر بوده است.

کلمات کلیدی: اقتصاد اسلامی، توزیع درآمد، رفاه اقتصادی، عایدی سرمایه، فعالیت‌های مولد و سوداگرانه، مالیات

طبقه‌بندی JEL: P35,G38 ، I38,H21

AliLashkari@rihu.ac.ir

^۱ استادیار گروه اقتصاد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

Ebadi.ro@gmail.com

^۲ دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

^۳ Capital Gains Tax (CGT)

مقدمه

رشد و شکوفایی در حوزه‌های گوناگون نظامات اجتماعی، در مقبولیت آموزه‌های منتب به یک مکتب و جریان فکری به عنوان درون‌مایه‌های مولد فرآیندها، سازوکارها و جهت‌گیری‌ها، صحت برداشت‌ها و نوع تفسیر رویدادها، از منظر تحلیل‌گران و عموم مردم نقش بهسزایی دارند. از سویی دیگر، تعیین چارچوبی برای حرکت، امکان بهره‌برداری از تمام پتانسیل‌ها را برای تسريع در فرآیندگذار محدود می‌نماید (غفاری‌فرد و همکاران، ۱۴۰۰).

هر حرکت و اقدام معقول و منطقی، ناگزیر باید در پی هدف روشن و دست‌یافتنی باشد. در شکل‌گیری هر نظامی از جمله نظام اقتصادی و فعالیت‌های نظاممند آن، جایگاه اهداف غیرقابل انکار است. محور سیاست‌گذاری‌ها، قانون‌گذاری‌ها و توصیه‌های اخلاقی هر نظام اقتصادی، مبتنی بر اهداف آن نظام می‌باشد. نظام اقتصادی، مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری فرض می‌شود که دولت و مردم را به یکدیگر و به اموال و منابع در راستای اهداف معین- همچون عدالت، امنیت، رشد و توسعه - پیوند می‌دهند.

دولت برای تحقق اهداف اقتصاد اسلامی اقدامات مختلفی را برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و اقدام می‌نماید که برخی از مهم‌ترین اقدامات دولت در زمینه موضوع این پژوهش اقداماتی در حوزه توزیع ثروت طبیعی و اموال دولتی به صورتی که فاصله‌ی طبقاتی زیاد ایجاد نشود (حشر^{۵۹}): ۷، حکیمی، ۱۴۰۸: ج ۵، ۲۷۲ و ۲۸۲ – ۲۸۹)؛ تعدیل درآمدها از راه دریافت مالیات با لحاظ حفظ عمران و آبادی (رضی، ۱۳۹۵: ۴۳۶)؛ تأمین نیاز فقیران (رضی، ۱۳۹۵: ۴۳۸ و ۴۳۹)؛ نظارت بر بازار و جلوگیری از احتکار و حمایت از قیمت عادلانه (همان: ۴۳۸؛ حکیمی، ۱۴۰۹: ج ۲، ۴۹۴؛ و ۱۴۰۸: ج ۵، ۴۱۷ – ۴۲۰) و تحقق سرمایه‌گذاری زیر بنایی مورد نیاز که بخش خصوصی انگیزه یا توان انجام آن را نداشته و جامعه به آن نیازمند بوده و ... می‌باشد.

از مهم‌ترین ابزارهای تحقق اهداف اقتصادی دولت در هر سیستم اقتصادی شیوه دریافت مالیات در هر جامعه بوده به‌گونه‌ای که در کشورهای مختلف با ساختارهای سیاسی و اقتصادی متفاوت، این متغیرها از درجه اهمیت متفاوتی برخوردار بوده و چگونگی و شدت تأثیرگذاری این متغیرها بر سایر متغیرهای کلیدی اقتصاد یکسان نمی‌باشد. یک نظام مالیاتی خوب باید بتواند از ویژگی‌های کارایی اقتصادی، سهولت در اجراء، انعطاف‌پذیری، پاسخ‌گویی سیاسی و انصاف برخوردار باشد (استیگلیتز^۱، ۱۳۹۲: ۱۰۲)

افزایش واقعی ثروت یک ملت در گرو رشد فعالیت‌های ارزش آفرین و تولیدی است و دولتها، نقش بهسزایی در هدایت فعالان اقتصادی جامعه به سمت فعالیت‌های مولد و کارآفرینانه دارند.

¹ Stiglitz

مالیات، ابزاری برای تأمین مالی دولت، تصحیح انحرافات بازار و ... بوده که می‌تواند در جهت تنظیم فعالیت‌های بخش‌های مختلف اقتصادی به کار گرفته شده و در راستای اتخاذ سیاست‌های مناسب برای افزایش هزینه تقاضای سوداگرانه، هدایت سرمایه‌ها به سمت تولید، جلوگیری از بی‌ثباتی و افزایش قیمت ناشی از فعالیت‌های سوداگرانه در بازار، از اهرم سیاست‌های مالیاتی مبتنی بر مالیات بر عایدی سرمایه استفاده در نظر گرفته شده است.

در این پژوهش به روش توصیفی- تحلیلی با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و استنادی، ضمن بیان اهداف در اقتصاد اسلامی و بررسی مالیات بر عایدی سرمایه و آثار اقتصادی آن، میزان تطبیق اهدافی که از وضع مالیات بر عایدی سرمایه مدنظر است با اهدافی که در سطوح مختلف در حوزه اقتصاد اسلامی گزارش می‌شود. شباهت‌ها و تفاوت‌های این مالیات با مالیات‌های اسلامی (خمس) و اثر اعمال این مالیات با در نظر گرفتن تورم، افزایش ارزش یک دارایی در طول زمان و کاهش ارزش یک دارایی در اثر مستعمل شدن برای مالیات‌بندی بر سرمایه و سازگاری وضع این مالیات با اهداف اقتصادی مطالعه و بررسی شد.

۱. پیشینه پژوهش

قانون مالیات بر عایدی سرمایه در بیش از ۵۰ کشور و اقتصادهای در حال توسعه در حال اجرا می‌باشد. برخی از نزدیک‌ترین تحقیقات در زمینه مالیات بر عایدی سرمایه و اثرات آن به شرح زیر گزارش شده است:

نقوی و همکاران (۱۳۸۸)، در مقاله «بررسی مالیات بر عایدی سرمایه» به روش توصیفی- تحلیلی نشان داده‌اند سیستم مالیاتی در ایران اصلاحاتی را در زمینه معرفی پایه جدید مالیاتی نظیر مالیات بر ارزش افزوده را مورد توجه قرار داده، در حالی که مشکلات جدی‌تری نظیر اصلاح ساختار مالیاتی هنوز باقی است. در راستای اصلاح ساختاری نظام مالیاتی کشور از طریق معرفی پایه‌های مالیاتی جدید به معرفی مالیات بر عایدی سرمایه پرداخته شده است.

رضایی و خادمی (۱۳۹۰)، در مقاله اصلاح ساختار و بسط پایه‌های مالیاتی در تطبیق با الگوی مالیات‌های اسلامی با تأکید بر مالیات بر عایدی سرمایه که براساس روش تحقیقی توصیفی- تحلیلی تنظیم شد، یکی از راههای تأمین مالی هزینه‌های دولت براساس اسناد سندهای توسعه کشور را گسترش پایه‌های مالیاتی معرفی نموده و در این راستا یکی از این پایه‌های مالیاتی، مالیات بر عایدی سرمایه است که امروزه در کشورهای مختلفی ارایه شده و از نوع مالیات بر درآمد و دارایی است و آثار مهم اقتصادی آن بهبود توزیع درآمد و تأمین هزینه‌های دولت است. در این مقاله با نگاهی به تجربه مالیات بر عایدی سرمایه سایر کشورها، دیدگاه فقه اسلامی را در مورد

آن مطرح و مقررات مرتبط با مالیات بر عایدی سرمایه برای اصلاح ساختار مالیات‌ها از جهت سازگاری با مبانی شرعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که از نظر مکتب شیعه، خمس بر منافع سرمایه شباهت بسیار و تفاوت‌هایی با مالیات بر عایدی سرمایه دارد. مصطفوی ثانی (۱۳۹۲)، در پایان‌نامه باعنوان امکان‌سنگی شرعی و اجرایی وضع مالیات بر عایدی سرمایه در بازارهای مالی ایران نشان داده است که با توجه به ویژگی‌های اقتصاد ایران و لزوم حرکت به سمت سیستم مالیاتی توأم‌مند به عنوان ابزاری مناسب برای سیاست‌گذاری، کنترل انگیزه‌های مخرب و کاهش وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی، در این پژوهش مالیات بر عایدی سرمایه در بازارهای مالی به عنوان مالیاتی که قابلیت دستیابی به اهداف مورد نظر را دارد مورد بررسی و تأثیرات آن بر بازارهای مالی به عنوان بخش هدف مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته است. اگرچه برخی ناکارایی‌ها در اجرای مالیات بر عایدی سرمایه در بعضی کشورهای جهان گزارش شده است اما عدم تأثیر منفی این نوع مالیات بر سرمایه‌گذاری کل و رشد اقتصادی و همچنین تأیید آن به عنوان ابزار مناسب سیاست‌گذاری دولت برای مقابله با سفت‌های بازی در اقتصاد و کاهش نابرابری‌ها توجیه این مالیات را بسیار تسهیل نموده است.

حقیقت و توتونچی ملکی (۱۳۹۳)، در مقاله «معرفی پایه مالیاتی جدید: چگونه در ایران مالیات بر عایدی سرمایه را پایه‌گذاری کنیم؟» به روش توصیفی- تحلیلی نشان داده است ایجاد این پایه مالیاتی در اقتصاد ایران می‌تواند نظام مالیاتی را در تحقق سه هدف اساسی آن (تخصیص بهینه منابع، توزیع مناسب درآمد، ایجاد منابع درآمدی پایدار برای دولت) کمک کند. یکی از اهداف این نوع مالیات جلوگیری از فعالیت‌های سوداگرانه در بازار دارایی‌های سرمایه‌ای مانند املاک است لذا نرخ مالیات بر عایدی سرمایه مناسب دوره نگهداری کوتاه‌مدت دارایی‌ها بیشتر از نرخ مالیاتی دوره بلندمدت تعیین شده است. این موضوع با هدف تفکیک تقاضای مصرفی از تقاضای سوداگرانه و کنترل تقاضای سوداگرانه دارایی‌ها صورت گرفته است.

کایولیونگ و ژانگ^۱ (۲۰۰۰)، در مقاله‌ای تحت عنوان تورم و مالیات بر عایدی سرمایه در یک اقتصاد کوچک باز به ارتباط مالیات بر عایدی سرمایه با یکی از شاخص‌های کلان اقتصادی، تورم پرداخته و نشان داده است وضع این مالیات در یک کشوری که با تورم‌های بالا روبرو است سبب کاهش رفاه اقتصادی گردیده و نوع دارایی‌ها و چگونگی نگهداری آنها و همچنین وضعیت انباشت سرمایه در کشور را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد.

^۱ Ka Yui Leung, Charles, and Guang Jia Zhang.

آرونداین^۱ (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیرمالیات بر عایدی سرمایه و هزینه‌های کاهش مالیات بر اقتصاد و درآمد» بیان کرد که عدم دریافت مالیات بر عایدی سرمایه می‌تواند کارآمدی تخصیص منابع را کم کند؛ به این صورت که با افزایش اختلاف مالیاتی بین درآمد بهدست آمده به شکل عایدی سرمایه و دیگر آشکال درآمد، انگیزه منحرف کردن منابع به سمت فعالیتهای غیرمولود به وجود می‌آید. در نتیجه این فعالیت‌ها از نظر مالیاتی به صرفه‌تر می‌شوند و برای تبدیل درآمد عادی به سرمایه بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند.

تارنر و همکاران^۲ (۲۰۱۴)، در مقاله‌ای با عنوان «مالیات بر عایدی سرمایه در آفریقا: ادراک عدالت» ضمن بررسی نیاز به اصلاحات اساسی در جامعه و ارتباط آن با منافع نخبگان سیاسی، بررسی می‌شود که مالیات بر درآمد سرانه در آفریقای جنوبی نمونه‌ای از تلاش واقعی برای بهبود عدالت ادراکی سیستم مالیاتی است یا آینکه آیا ادراک عدالت صرفاً بهمنظور برنامه‌های سیاسی بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد؟ نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در آفریقای جنوبی هدف از اعمال مالیات بر عایدی سرمایه هدف دوم بوده است.

بررسی ادبیات و پیشینه مطالعات داخلی و خارجی عنوان نشان می‌دهد تاکنون مطالعه گسترده‌ای در زمینه مالیات بر عایدی سرمایه صورت پذیرفته است که به آثار و پیامدهای وضع آن در بازارهای مختلف نظریه بازار سهام و ارتباط آن با شاخص‌های کلان اقتصادی و ... پرداخته شده است ولی تطابق، توانمندی و سازگاری مالیات بر عایدی سرمایه با اهداف اقتصاد اسلامی و چگونگی ارتباط آن با مالیات‌های مشابه اسلامی (خمس) پرداخته نشده است و از این رو در این مطالعه به آن اشاره شده است.

۲. سازگاری یا ناسازگاری اهداف

در لغتنامه دهخدا، سازگاری موافق در کار و حسن سلوک و در مقابل آن، ناسازگاری بدسلوکی و بدرفتاری معنی شده است (دهخدا، ۱۳۸۵). در فرهنگ عمید نیز سازگاری را سازگار بودن، توافق، موافقت و هماهنگی معنی کرده است (عمید، ۱۳۸۹). بهدلیل پیچیدگی اصطلاح سازگاری، متخصصان در تعریف آن، اشتراک‌نظر ندارند. شوهان^۳ (۱۹۹۱) سازگاری را ارتباط موزون و هماهنگ با محیط می‌داند که توانایی برآورده کردن بسیاری از نیازهای فرد و انتباط با مقتضیات محیط را دربرمی‌گیرد. آلن^۴ (۱۹۹۰) سازگاری را دستیابی به درک مناسبی از رفتارها، اندیشه‌ها و

¹ Aron-Dine

² Turner, Magda; Coldwell, David

³ Shohan

⁴ Alen

احساس‌های خود و دیگران می‌داند که از راه مطلوبی، امکان بروز و ظاهر شدن راهبردهای کنار آمدن را برای انتظارات جامعه و مشکلات فراهم می‌کند.

سازگاری یا ناسازگاری در ابعاد مختلفی قابل بررسی و مطالعه است. ناسازگاری در اهداف به دو گونه قابل تصور است: یکی به گونه تعارض، یعنی به لحاظ نظری تبیینی که از مفهوم اهداف در هر نظامی انجام شده با هم ناسازگاری و تناقص داشته باشند. دیگر به نحو تزاحم، یعنی در مرحله پیگیری اهداف در عالم خارج و تحقق آنها، امکان پیگیری همه اهداف با هم وجود نداشته باشد. اینکه چگونه بین اهداف تزاحم شکل می‌گیرد می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد؛ ممکن است به سبب نارسانی در امکانات باشد؛ به طوری که با امکانات موجود نمی‌توان همه اهداف را با هم دنبال کرد یا امکانات کافی است؛ اما موانعی از ناحیه دیگران فراهم شده که امکان تحقق، همزمان اهداف وجود ندارد (میرمعزی، ۱۳۷۸). زمانی که امکان پیگیری همه اهداف وجود نداشته باشد، قاعده عقلی این است که متناسب با ملاک‌ها و شاخص‌هایی که برای اندازه‌گیری و یامقایسه بین اهداف وجود دارد، از قاعده تقدیم اهم بر مهم استفاده گردد.

۳. اهداف در اقتصاد اسلامی

اهداف نظام، اموری است که نظام و اجزایش برای رسیدن به آن سازماندهی و طراحی می‌شوند. معمولاً این اهداف در سه طبقه دسته‌بندی می‌شوند؛ ۱) اهداف غایی، ۲) اهداف متوسط و کلی و ۳) اهداف عملیاتی و جزئی. اقتصاد اسلامی سعی دارد با به کارگیری دانش و کاربرد موازین و قواعد شریعت (قوانين اسلامی الهی) مانع از بی‌عدالتی در تحصیل و دسترسی به منابع مادی با هدف تأمین رضایت خاطر افراد و قادر نمودن آنها برای عمل به تعهدات‌شان در برابر خدا و جامعه گردد (حسن‌زمان^۱، ۱۹۸۴: ۵۰). ازین رو اهداف در اقتصاد اسلامی در قالب کارکرد نظریات و نظام اسلامی قابل بررسی و تفکیک است و این دو سطح هدف را می‌توان در قالب کارکرد نظریات اقتصادی تلفیق نموده و به همین دلیل اهداف اقتصادی را می‌توان در سه سطح رتبه عالی (رفاه عمومی)، میانی (عدالت، امنیت و رشد اقتصادی) و مقدماتی (اشغال کامل و تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها) طبقه‌بندی کرد.

اگر تزاحمی بین هدف رفاه عمومی و سایر اهداف شکل بگیرد، هدف عالی بر سایر اهداف مقدم بوده و در صورتی که بین سایر اهداف، تزاحمی پیش آید، هدفی که به هدف عالی نزدیکتر است درجه ارجحیت بیشتری دارد (یوسفی، ۱۳۸۷). برخی محققان با اشاره به روایتی از امام صادق(ع)؛ رشد، عدالت و امنیت اقتصادی را به عنوان سه هدف محوری در اقتصاد اسلامی یا نظام اقتصادی

^۱ Hasanuzzaman

اسلام معرفی می‌کنند (میرمعزی، ۱۳۹۰). در این روایت امام صادق(ع) امنیت، عدالت و فراوانی را سه نیاز عمومی تمامی انسان‌ها بیان شده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵: ۲۳۴).

از دیدگاه شهید صدر تحقق اهداف اقتصادی از طریق شاخص‌هایی نظیر رشد اقتصادی و افزایش درآمد سرانه به عنوان یک ابزار و راهی در جهت شکل‌گیری رفاه عمومی جامعه مطرح شده است (صدر، ۱۳۸۷). با توجه به اینکه اهداف هر نظامی در شکل‌گیری رفتارهای نظاممند، تعیین نوع و مقدار ابزارها و روش‌های وصول به اهداف و ... مؤثر هستند، از این‌رو هر ابزاری که برای تحقق هدف در نظر گرفته شود باید بتواند سازگار و در راستای سایر اهداف عمل نماید.

۴. مالیات و اهداف سیاست مالیاتی

مالیات قسمتی از درآمد یا دارایی افراد است که به منظور پرداخت مخارج عمومی و اجرای سیاست‌های مالی در راستای حفظ منابع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور به موجب قوانین و به وسیله اهرم‌های اداری و اجرایی دولت وصول می‌شود. موفقیت سیاست مالی در دست‌یابی به اهدافی چون افزایش نرخ سرمایه‌گذاری، تشویق سرمایه‌گذاری‌های مطلوب اجتماعی، افزایش فرصت‌های اشتغال، تثبیت شرایط اقتصادی در مقابل عدم ثبات بین‌المللی، مقابله با تورم و رکود اقتصادی و باز توزیع درآمد ملی می‌باشد که رسیدن به این اهداف، به حجم و چگونگی جریان درآمدها و هزینه‌های عمومی دولت بستگی دارد.

هر نظام مالیاتی براساس مبانی نظری، اخلاقی و اصول عملیاتی ویژه‌ای بنا شده است. اصول مالیاتی نیز موازین و قواعدی هستند که علاوه بر توجه به آن در هنگام وضع قوانین، دراجرا، عملیاتی کردن و تفسیر مقررات نیز باید آثار و پیامدهای آن را ملاحظه کرد. تغییردادن نظام مالیاتی کنونی به الگویی منصفانه، ساده، کارآمد و دلسوزانه جهت رفع موانع، رشد و گشایش مسیری به سوی آینده‌ای سرشار از ابداعات و موفقیت‌های بی‌نظیر یک چالش تاریخی است (استیگلیتز^۱، ۲۰۰۰: ۴۱۷).

کمیت و کیفیت مالیات‌ها به دیدگاه نظام اقتصادی درباره نحوه و اندازه دخالت دولت در اقتصاد، چگونگی تعامل دولت با بخش خصوصی در عرصه خدمات عمومی و مشروعیت حق دخالت دولت در بخش‌های اقتصادی - از جمله دریافت مالیات از جامعه - بستگی دارد. ضرورت دخالت دولت نیز به هزینه‌های مبادله همراه با آن و هزینه‌های رها کردن مشکل به سازوکار بازار بستگی دارد (کالیز و جونز^۲، ۱۹۹۸: ۹۸).

¹ Stiglitz

² Kaliz & Jones

افزون بر اینکه مالیات‌ها اصلی‌ترین منبع درآمد دولت‌ها به‌شمار می‌آید، ابزار قوی تنظیم اقتصادی و سیاست‌گذاری جهت تصحیح شکست بازار، تأمین عدالت اجتماعی، تأمین اجتماعی و توزیع مجدد درآمد نیز محسوب می‌شود. در راستای نیل به این مقصود، وضع مالیات‌ها براساس اهداف درآمدی، توزیعی، تخصیصی و تثبیتی صورت می‌پذیرد. دولت باید با پرهیز از مالیات‌های اختلال‌زا، سیاست‌های مالیاتی را در جهت بهبود توزیع درآمد (به شرط نبود اختلال‌زا) و کنترل قیمت‌های سوداگرانه دارایی‌ها و عایدات سرمایه‌ای و همگرایی تفاوت‌های بخشی تنظیم کند (شاکری، ۱۳۹۵: ۶۸۸).

منابع مالی دولت اسلامی به‌لحاظ محل وصول آن به دو نوع درآمدهای مالیاتی و درآمدهای غیرمالیاتی تقسیم می‌شود. منظور از درآمدهای مالیاتی، منابعی مانند خمس ارباح مکاسب، زکات و مالیات‌های حکومتی است که به حکم قانون از درآمد و یا ثروت اشخاص اخذ می‌گردد و مصارف آنها معمولاً مشخص شده و دولت موظف است تا پس از جمع‌آوری، آنها را در موارد مربوطه هزینه نماید. درآمدهای غیرمالیاتی نیز شامل مواردی از قبیل انفال، فیء، غنایم و خراج است که از ثروت‌های طبیعی و یا منابع برون‌زا (مانند اراضی مفوتوحه‌عنوه) به دست آمده و در مصالح عمومی جامعه هزینه می‌شود (حسینی، ۱۳۸۸). از منظر اقتصاد اسلامی اصولی نظیر عبادی بودن، وظیفه تلقی‌کردن پرداخت مالیات، عدم انتقال مالیات، حداقل هزینه جمع‌آوری مالیات، تأمین مالی مخارج معین، ظرفیت مالیاتی، عدالت مالیاتی، برای نظام مالیاتی در نظر گرفته شده است (جعفری صمیمی، ۱۳۸۸).

۵. سرمایه و عایدی آن

سرمایه، مالی است که از آن عایدی به‌دست می‌آید (فرهنگ، ۱۳۷۱) و از نظر جان بلاک^۱، سرمایه موجودی دارایی‌های مالی است که درآمدزا باشد(بلاک، ۱۹۹۷). سرمایه، موجودی دارایی‌های مالی است که بتوان از آن عایدی کسب نموده و درآمدزا باشد. سرمایه‌های فیزیکی، اقتصادی، فرهنگی، انسانی و اجتماعی جزء منابع تولیدی ارزشمند و ایجاد‌کننده ثروت در هر جامعه محسوب می‌شوند. میزان برخورداری هر مجموعه اقتصادی از این سرمایه‌ها، تأثیر ویژه‌ای بر جایگاه و رتبه نظام حاکم بر آن جامعه دارد. میزان انباشت سرمایه و کیفیت سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی در یک جامعه در شکل‌گیری فعالیت‌های مولد نقش بهسزایی دارد.

در قرون وسطی و اوایل مدرن، سرمایه به‌معنای پول قابل سرمایه‌گذاری یا سرمایه‌گذاری در تجارت بود. آدام اسمیت با دارایی‌های فیزیکی، ماشین‌ها و افراد به‌عنوان "سرمایه" رفتار می‌کرد و

¹ Black

این کاربرد متفاوت از آن زمان اقتصاد را تحت سلطه خود درآورد. در دوران قبل از اسمیت، به پول یا دارایی‌های قابل فروش دیگری اشاره داشت که می‌تواند به عنوان وثیقه استفاده شود(هدسن^۱، ۲۰۱۴).

مفهوم مالی سرمایه توسط اکثر واحدها در تهیه صورت‌های مالی خود اتخاذ می‌شود. تحت مفهوم مالی سرمایه، مانند پول سرمایه‌گذاری شده یا قدرت خرید سرمایه‌گذاری شده، سرمایه مترادف با خالص دارایی‌ها یا حقوق صاحبان سهام است. تحت مفهوم فیزیکی سرمایه، مانند قابلیت عملیاتی، سرمایه به عنوان ظرفیت تولید واحد تجاری براساس مثلاً واحدهای خروجی در روز در نظر گرفته می‌شود. انتخاب مفهوم مناسب سرمایه توسط یک واحد تجاری باید براساس نیازهای استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی آن باشد. بنابراین، در صورتی که استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی عمدتاً به حفظ سرمایه‌گذاری اسمی یا قدرت خرید سرمایه‌گذاری شده توجه داشته باشند، باید از مفهوم مالی سرمایه استفاده شود. اگر نگرانی اصلی کاربران با قابلیت عملیاتی واحد تجاری باشد، باید از مفهوم فیزیکی سرمایه استفاده کرد. مفهوم انتخاب شده نشان‌دهنده هدفی است که در تعیین سود باید به آن دست یافته، اگرچه ممکن است برخی مشکلات اندازه‌گیری در عملیاتی شدن مفهوم وجود داشته باشد.

منظور از دارایی هر حق مربوط به مال از جمله منفعت امانتی، حق انتفاع یا منافع مشابه آن است. هر دارایی که در حساب درآمد نگهداری شود موجودی تجاری محسوب می‌شود. در ادبیات مالی، سرمایه‌گذاری عبارت است از به کارانداختن سرمایه به منظور کسب درآمد به شکل بهره، سود سهام، جایزه، بازنشستگی یا تغییر قیمت، خرید سهام، اوراق قرضه بدون وثیقه، چنین سرمایه-گذاری‌هایی منجر به دارایی مالی می‌گردد (ریاضی و ملکی، ۱۳۸۸).

۶. عایدی یا زیان سرمایه

عایدی سرمایه مبتنی بر این فرض است که درآمد مورد انتظاری که در زمان فروش دارایی برآورد می‌شود بیش از درآمد مورد انتظار پیش‌بینی شده قبلی (در زمان خرید) برای دارایی باشد. به عبارت دیگر، عایدی یا زیان سرمایه عبارت است از تفاوت بین ارزش فعلی درآمد مورد انتظار آتی دارایی که در زمان فروش برآورد می‌گردد از ارزش فعلی درآمد مورد انتظار آتی دارایی که زمان خرید پیش‌بینی شده بود. به بیانی ساده‌تر عایدی (زیان) دارایی سرمایه‌ای حاصل تغییر در انتظارات مرتبط با توان تولیدی بالقوه (توان بالقوه ایجاد درآمد) دارایی است (تقوی و همکاران، ۱۳۸۸).

^۱ Hodgson

سه متغیر در تعیین ارزش یک دارایی اثرگذار هستند؛ وضعیت آینده این درآمد یا درآمد مورد انتظار دارایی در آینده، برآورد ارزش دارایی در هنگام اسقاط، نرخ تنزیلی که برای تبدیل جریان درآمدی آتی و ارزش ناشی از اسقاط برای زمان حال به کار برد می‌شود (تقوی و همکاران، ۱۳۸۸). از سوی دیگر بازدهی سرمایه نیز به دو صورت پرداخت‌های مربوط به بهره و توزیع سود سهام و عواید سرمایه شکل می‌گیرد (استیگلیتز، ۱۳۹۲: ۲۷۵).

تغییر قیمت دارایی در اثر علل خارجی عایدی واقعی است و تغییر در قیمت در اثر برآورد غلط استهلاک، عایدی غیر واقعی است (تقوی و همکاران، ۱۳۸۸). از این‌رو عایدی واقعی در مقابل عایدی غیرواقعی در تغییر ارزش یک دارایی ممکن است ناشی از علل بیرونی که مرتبط با فرآیند تولید نیست (کمبود دارایی‌های جدید در بازار، افزایش در قیمت محصولاتی که دارایی تولید می‌کند و یا تغییر در نرخ بهره بازار) و یا ناشی از علل درونی که مربوط به فرآیند تولید هستند (خطا در پیش‌بینی‌های موجود در مورد میزان استهلاک واقعی دارایی و یا توانایی آن در تولید واحدهای محصول بیشتر از آنچه در زمان خرید دارایی پیش‌بینی می‌شد) ایجاد شود.

اگرچه درخصوص دامنه دارایی‌های مشمول عایدی سرمایه در بین کشورهای مختلف تفاوت‌های اساسی وجود دارد، ولی این مالیات از عایدی دارایی‌های مختلف همانند آپارتمان، زمین، باغ، بنگاه اقتصادی، وسائل نقلیه موتوری، نشان‌های افتخار، ارز خارجی، ماشین‌آلات، سهام بنگاه‌های اقتصادی، تابلوهای نقاشی و یا آثار هنری می‌تواند اخذ شود (رضایی و خادمی، ۱۳۹۰).

بنابراین گاهی اوقات قیمت واقعی فروش دارایی کمتر از قیمت واقعی خرید آن است و گاهی هزینه‌های نگهداری دارایی و هزینه مبادله بیش از عایدی سرمایه است. در این مورد اصطلاحاً صاحب دارایی دچار زیان سرمایه شده است.

۷. مالیات بر عایدی سرمایه

افزایش در سرمایه زمانی رخ می‌دهد که دارایی فروخته شود و شامل تفاوت بین مبنای (معمولاً) قیمت خرید و قیمت فروش باشد(گرانول^۱، ۲۰۱۸)، در این حالت مالیات از عایدی واقعی سرمایه - تدبیل شده بهوسیله تورم- و درصورتی که ارزش فعلی دارایی سرمایه‌ای، بیشتر از ارزش آن در زمان خرید باشد، دریافت می‌شود. این مالیات نزدیک به یک قرن است که بر عایدات سرمایه‌ای ناشی از سرمایه‌گذاری در تملک دارایی وضع شده و سیاست‌ها و قوانینی که مرتبط با وضع این مالیات است، هم در کشورها و هم افراد و هم برای شرکت‌ها متفاوت بوده و مالیاتی است که بهمنظور کسب درآمد دولت وضع نشده و هدف اصلی آن هدایت صحیح نقدینگی، کنترل سود

^۱ Granville

ناشی از فعالیت‌های سوداگرانه بوده و از لحاظ ماهیت، مالیات بر ثروت و مالیات مضاعف محسوب نمی‌شود.

ساختار بازدهی خالص عایدی سرمایه ایجاد شده بعد از وضع مالیات بر عایدی دارای ویژگی وابستگی است. منظور از وابستگی زمانی^۱ این است که نرخ بازدهی کوتاه مدت (جاری) حاصل از نگهداری زمانی یک دارایی وابسته به طول دوره زمانی نگهداری دارایی است.

اگر بنا برگرفتن مالیات از بازده سرمایه است، عاقلانه خواهد بود که از همه انواع بازده سرمایه، از جمله عواید سرمایه نیز مالیات گرفته شود. بر همین مبنای، کاهش در ارزش یک دارایی، به معنی بازده منفی است و باید ضرر حاصل از آن را از دیگر بازده‌ها کسر کرد تا بازده خالص به صورت دقیق محاسبه شود. مشکل این است که اندازه‌گیری افزایش یا کاهش ارزش یک دارایی معمولاً کار ساده‌ای نیست. الگوهای مالیاتی در مناطق مختلف جهان با بخشودن منفعت مشکوک به مودیان مالیاتی به مواجهه با این مشکل پرداخته‌اند. به این صورت که در مورد عواید سرمایه، معمولاً تا زمانی که عواید تحقق نیافرته است، یعنی تا زمانی که دارایی عملاً فروخته نشده است، فرد ملزم به پرداخت مالیات نیست (استگلیتز، ۱۳۹۲: ۲۷۵).

اگر دارایی از نوع دارایی‌هایی باشد که برای آن بازار فعال وجود داشته باشد نظریه بازار سهام و اوراق مشارکت، گرفتن مالیات از عواید سرمایه با پایه سالانه، از طریق مقایسه ارزش دارایی در انتهای سال با ارزش آن در ابتدای سال می‌تواند صورت گیرد. تفاوت این دو ارزش نشان‌دهنده عواید سرمایه است. این نظام به روزآوری به بازار^۲ نامیده می‌شود. برای بسیاری از دارایی‌ها همانند املاک و مستغلات، اظهار نظر دقیق در مورد ارزش غیرممکن است تا زمانی که بتوان معامله صورت گرفته را بررسی نمود. این امر موجب به وجود آمدن این نگرانی است که برخورد با برخی دارایی‌ها به صورتی و با دارایی‌های دیگر به صورت دیگر، نه تنها موجب سردرگمی می‌شود، بلکه جهت‌گیری غیراصولی را در انتخاب دارایی‌ها ایجاد می‌کند.

عواید سرمایه تنها شکل دیگری از دریافت بازده برای سرمایه است، بنابراین افراد باید همانند دیگر بازده‌ها برای آن مالیات پردازنند، با این حال مشکلاتی جدی در اندازه‌گیری عواید و ضررهای سرمایه وجود دارد که در حالت ایده‌آل لازم است برای جلوگیری از کاهش ارزش واقعی سرمایه و یا تحمیل مالیات سنگین بر عایدی سرمایه در اثر اخذ مالیات، مالیات بر بازده واقعی وضع شود و نه بازده اسمی، یعنی باید با شاخص‌بندی کامل، اثر تورم را تعديل کرده و شاخص‌سازی تورم انجام

¹ duration dependent

² marking-to-market

گیرد زیرا شاخص‌سازی تورم عایدی واقعی سرمایه در شرایط تورمی را محاسبه می‌کند (زاپر و همکاران، ۱۳۸۶).

در جهت تحقق اهداف سیاست‌های مالی مانند تخصیص منابع، توزیع مجدد در آمد، تثبیت اقتصادی و تأمین بودجه دولت در جهت تأمین آزادی انسان‌ها، توزیع مجدد در آمد، سرمایه‌گذاری زیربنایی و تأمین بودجه با اتکا بر اصل بنیادین عدالت، نیاز به ابزارهایی است که این اهداف را محقق نماید. این مهم از نظر اقتصاد اسلامی دور نمانده است، بنابراین مالیات‌های اسلامی به عنوان یکی از مهمترین راههای تأمین مالی مخارج دولت از اهمیت خاصی برخوردار است. در اقتصاد اسلامی برای توزیع مجدد درآمدها و ثروت‌ها سیاست‌های تکلیفی و تشویقی قرار داده شده است؛ مانند مالیات مستقل (ثابت) و متغیر.

یکی از سیاست‌های تکلیفی مالیاتی به عنوان یک ابزار مالیاتی، خمس بوده که با توجه به نسبی بودن آن و انگیزه دریافت آن از سود خالص تولیدکنندگان یا ارزش افزوده فعالیت‌های آنان، می‌تواند یک ابزار مهم سیاست مالی مورد استفاده قرار گیرد که به جهت ارتباط موضوعی این نوع مالیات با مالیات بر عایدی سرمایه در ادامه به آن اشاره شد تا سازگاری مالیات بر عایدی سرمایه با مفهوم خمس در راستای تحقق اهداف اقتصاد اسلامی بررسی شود.

۸. ارتباط خمس و مالیات بر عایدی سرمایه

برخی از مالیات‌ها، مالیات‌هایی هستند که از صدر اسلام رایج بوده و برای وضع آن نیز دلایل خاص در قرآن، سند و روایات وجود دارد. زکات، جزیه، خراج و خمس جزو این نوع مالیات‌ها بوده که در دسته مالیات‌های مستقل و ثابت قرار می‌گیرند. نوع مصرف هریک نیز توسط شارع تعیین گردیده و از این‌رو نه چیزی می‌توان به آن افzود و نه چیزی از آن کاست. نوع دیگری از مالیات وجود دارد که در طول زمان و با پیشرفت اجتماع و پیچیده شدن شئون زندگی توسط دولت اسلامی تعیین و تصویب می‌گردد.

قوانين مالیاتی جدید، از نظر کم و کیف ثابت نیستند و براساس شرایط زمانی و نیازهای دولت اسلامی و جامعه تنظیم گردیده و از دیدگاه فقهی از لوازم حکومت اسلامی و جامعه اسلامی می‌باشد.

خمس عبارت است از ادای یک پنجم از اموالی که زاید بر مخارج زندگی باشد، به مستحقان خاص آن (خرائلی، ۱۳۶۱). از این‌رو خمس یکی از فرائضی است که خداوند متعال برای رسول خدا(ص) و ذریه‌اش به جای زکات و برای اکرام آنان واجب قرار داده است (الیزدی، ۱۴۰۹ق: ج ۲: ۳۶۶). شاخص‌هایی که برای خمس قرار داده شده است، عبارت است از:

- ۱- پایه مالیاتی خمس، شامل هر نوع درآمد، ثروت، پسانداز، انتقال دارایی است که نشان می‌دهد دارای تنوع بسیاری است؛
 - ۲- بررسی نرخ معین خمس (۲۰٪) نشان می‌دهد در سود کسب، پس از معافیت هزینه سالیانه، محاسبه مالیات خمس نسبت به درآمد سالیانه افراد باعث می‌شود، میزان خمس از ۲۰٪ کمترشود. دلیل این مسئله این است که اگر مقدار پسانداز به طور متوسط ۳۰٪ تعیین گردد، خمس ۳۰٪ پسانداز نسبت به درآمد کل ۶٪ است. مقایسه نرخ مالیات ثابت خمس با نرخ‌های مالیاتی نشان می‌دهد که نرخ ۲۰٪ نرخ بالابی نیست.
 - ۳- با توجه به تنوع انواع دارایی‌ها، خمس منبع مالی بسیار مناسبی برای پشتیبانی هزینه‌های عمومی به حساب می‌آید.
 - ۴- نرخ ثابت خمس باعث می‌گردد به کارایی اقتصاد ضرری وارد ننموده و از این‌رو از نظر عملیاتی دارای سهولت و سادگی خیلی خوبی است.
 - ۵- شمولیت خمس برای افراد حقیقی است، چه بالغ شده باشند و چه صغیر؛
 - ۶- تعلق و محاسبه خمس به صورت مستقل از درآمد اختصاصی هر فرد؛
 - ۷- تنوع درآمدها و تعلق خمس به تمامی موارد (رضایی، ۱۳۸۹)؛
با توجه به آنچه بیان شد، هیچ درآمدی از دایره شمول خمس خارج نشده است، به علاوه اینکه در پرداخت خمس علاوه بر هزینه کسب، هزینه زندگی نیز از محاسبه خمس خارج می‌شود. خمس ارباح مکاسب مشابه مالیات بر پسانداز سالیانه است. به منافع سالیانه حاصل از کسب و کار فرد پس از کسر هزینه‌های مصرف شده طی آن سال خمس تعلق می‌گیرد (امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۱: ۳۶۲-۳۵۶).
- یکی از موارد مشمول خمس، خمس ارباح مکاسب و پسانداز سالیانه بوده که متعلق خمس آن درآمد خالص سالیانه بوده و شامل مالیات بر مازاد خالص درآمد و مالیات بر نفع ایجاد شده از به کارگیری سرمایه در تولید و تجارت در یک سال مالی یا سال خمسی است. مالیات مازاد بر خالص درآمد به مازاد درآمدی تعلق می‌گیرد که در پایان یک سال پس از آنکه خانوار در حد کفاف و ضروری، از میزان درآمد اسمی خود مصرف کرد، برایش باقی مانده باشد (پورفرج، ۱۳۸۹). توجه به این نکته لازم است که هزینه‌های متعارف زندگی از پرداخت مالیات معاف بوده و از این‌رو اگر بخشی از درآمد در پایان سال به صورت پسانداز باقی مانده و یا به صورت تشکیل سرمایه باشد، مشمول خمس بوده و تنها در صورتی این میزان از تشکیل سرمایه از پرداخت خمس معاف می‌گردد که اگر خمس آن خارج گردد نتوان با باقی مانده آن درآمد کسب کرد.

اگر درسال‌های بعد اضافه‌ای در سرمایه ایجاد شود باید اضافه در سرمایه بررسی گردد که از چه نوعی است. گاه اضافه به‌گونه‌ای است که از اصل سرمایه قابل تفکیک است؛ به عبارتی اضافه به صورت عین منفصل است و گاه به صورتی است که از اصل سرمایه قابل تفکیک نبوده و این زیادی به اصطلاح عین متصل می‌باشد و گاهی نیز به سرمایه اضافه می‌شود، به عبارتی قیمت بازاری سرمایه اضافه می‌شود بدون آنکه به عین آن اضافه شود (رضایی و خادمی، ۱۳۹۰).

بررسی آراء فقهاء در زمینه نماء منفصل نشان می‌دهد که به این نماء خمس تعلق گرفته و تفاوتی ندارد که به نگهداری از عین سرمایه به قصد منعطف ناشی از عین بوده و یا منعطف ناشی از نماء منفصل (الحسینی السیستانی، ج ۱: ۳۹۴ و الطباطبائی الیزدی، ج ۴: ۲۷۸ و الخویی، ج ۲: ۳۴۸). اگر زیادی به صورت نماء متصل بود (الامام الخمینی، ج ۱: ۳۳۷ و ۳۳۸) اگر سرمایه را به قصد تکسب از عین آن نگهداری کرده خمس به نماء متصل هم تعلق می‌گیرد ولی اگر به قصد بهره‌برداری از نماء منفصل نگهداری کرده باشد در این صورت خمس به آن تعلق نمی‌گیرد و اگر برای استفاده در زندگی نگه داشته فقط به مازاد از سال آن خمس تعلق می‌گیرد (رضایی و خادمی، ۱۳۹۰: ۱۳۲).

خمس ارتفاع قیمت نیز در صورتی واجب است که امکان فروش عین را داشته باشد و یا فروخته شود (الامام الخمینی، ج ۱: ۳۳۶ و الطباطبائی الیزدی، ج ۴: ۲۷۸-۲۹۰). ولی اگر سرمایه را برای بهره‌برداری از آن خریداری کرده است خمس آن قبل از خرید و فروش واجب نیست (الامام الخمینی، ج ۱: ۳۳۶) ولی اگر آن را فروخت خمس به مقدار زیادی به نظر برخی از فقهاء تعلق می‌گیرد و جزو درآمدی سال جدید است که در آخر سال در صورت اضافه خمس به آن تعلق می‌گیرد (الحسینی السیستانی، ج ۱: ۳۹۵ و السيد الخویی، ج ۲: ۳۴۹).

۹. ارتباط خمس، تورم و مالیات بر عایدی سرمایه

تورم مشکلات متعددی را برای تعریف درآمد حاصل از سرمایه ایجاد می‌کند. از این‌رو با توجه به آنچه بیان شد، برخی به دنبال گرفتن مالیات از بازده واقعی سرمایه هستند و نه بازده اسمی. اگر فردی مالک یک دارایی باشد و ارزش آن ۱۰ درصد افزایش یابد، اما قیمت‌ها نیز به طور عمومی ۱۰ درصد بیشتر شوند، بهبود در وضعیت فرد رخ نداده است، اگرچه عایدی اسمی سرمایه مثبت است ولی عایدی واقعی سرمایه فرد صفر است. اولین پیامد وجود تورم آن است که افرادی که بازده واقعی مثبت اندکی قبل از مالیات داشته‌اند، پس از مالیات به این نکته می‌رسند که میزان قابل ملاحظه‌ای بازده منفی برای آنها ایجاد شده است.

با توجه به اینکه این تغییرات، افزایش اسمی قیمت کالاست و نه حقیقی، در شمول یا عدم شمول خمس بر این افزایش قیمت بررسی فتاوی فقهی فقها نشان می‌دهد که معمولاً به احتیاط واجب حکم شده است که اضافه قیمت ناشی از تورم مشمول خمس است (منتظری؛ رساله استفتائات، ج ۱: ۸۱ و ۸۲). از سوی دیگر برخی از فقها نیز افزایش در قیمت سرمایه ناشی از تورم چه به قصد تجارت نگهداری شود و یا بفروشد و یا به غیرقصد تجارت نگهداری کند و بفروشد خمس آن را واجب نمی‌دانند (الشیخ مرتضی الحائری، ۱۶۳: ؛ الطباطبایی اليزدی مع تعلیقات السید عبدالکریم الموسوی الاردبیلی، ج ۲: ۱۸۲ بهجت ج ۳: ۱۰۱، شبیری زنجانی: ۳۶۶ مسئله ۱۷۷۹).

۱۰. مقایسه خمس و مالیات بر عایدی سرمایه

سرمایه مذهبی موجب تقویت بسیاری از ساختارهای جامعه می‌شود؛ به طور مثال این سرمایه می‌تواند به لحاظ اجتماعی، باعث گسترش نهادهای مشارکتی و تعاونی شده و گسترش این نهادها زمینه‌ساز توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی است (غفاری‌فرد و همکاران، ۱۳۹۹).

خمس، محركی مفید برای جلوگیری از انباشت پسانداز راکد و بی‌ثمر در مسیر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی است و از این‌رو خمس بر درآمد مازاد سبب می‌شود حرکت به سمت سرمایه‌گذاری شکل گرفته و درواقع می‌تواند مکمل رشد گردیده و حتی اگر خمس بر منفعت سرمایه تعلق گیرد، چون سرمایه، محرك تولید و مالیات بر خمس بر منفعت خالص تعلق می‌گیرد، اثری منفی بر رشد ندارد. توجه به این نکته ضروری است خمس بر دارایی و ثروت و پسانداز، اثر کاهنده نداشته و دارای اثر رشد و توسعه‌ای در فرآیند اقتصادی است. همان‌طور که بیان شد از نظر فقه اسلامی، تعلق خمس به منفعت سرمایه، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با وضع مالیات بر عایدی سرمایه دارد که در جدول زیر به طور خلاصه به آن پرداخته شده است:

جدول ۱. شباهت‌ها و تفاوت‌های مالیات بر عایدی سرمایه با خمس

شاخص	شرط تعاقب مالیات	سال مالیاتی	پایه مالیاتی	مشمولین	انطباق با دستورات شرعی	انطباق با قوانین مالیاتی
نرخ مالیاتی	% ۲۰ ثابت	کسر تورم	تغییر قیمت سرمایه به هر دلیل	کسر تورم از مقدار تفاوت قیمت	نگهداری سرمایه به قصد تجارت	پس از فروش
سال مالیاتی	سال خمسی	زمان نقل و انتقال	ترخ جداگانه	اصل سرمایه	اشخاص حقیقی و حقوقی	انطباق با قوانین مالیاتی
مشمولین	شرط تعاقب مالیات	پایه مالیاتی	مشمولین	مشمولین	اشخاص حقیقی	انطباق با دستورات شرعی
کسر تورم	کسر تورم از مقدار تفاوت قیمت	تغییر قیمت سرمایه به هر دلیل	نرخ مالیاتی	نرخ مالیاتی	ترخ جداگانه	زمان نقل و انتقال

هدف وضع مالیات	هدف ثابت کسب درآمد	اهداف متغیر
معافیت‌های مالیاتی	متعلق خمس شمول همه دارایی‌ها	درآمد اشخاص حقیقی و حقوقی
هزینه‌های سرمایه‌ای	اساسی در دارایی و اضافه ارزش	تعارف خمس به شرط ایجاد تغییرات معاف از مالیات

منبع: یافته‌های تحقیق

۱۱. سیاست‌ها و قوانین مالیات بر عایدی سرمایه

کشورهای جهان برای تنظیم اقتصاد، تضعیف فعالیت‌های غیرمولود و هدایت سرمایه‌ها به‌هم‌ست فعالیت‌های تولیدی، از ابزار مالیات استفاده می‌نمایند؛ درواقع مالیات علاوه بر درآمدزایی، ابزار «تنظیم‌گری و سیاست‌گذاری» در اقتصاد است. مالیات بر منافع سرمایه به این دلیل وضع شده است که از نوع مالیات بر درآمد بوده و مودی مالیاتی می‌تواند از این مالیات مانند سایر مالیات‌ها استفاده نماید. این سبب شده است که وضع مالیات بر عایدی سرمایه برای افراد و شرکت‌ها در کشورهای مختلف متفاوت گردد. اگر سیاست‌ها و قوانین موجود در زمینه مالیات بر عایدی سرمایه بررسی شود مشاهده می‌شود که در موارد ذیل با هم تفاوت دارند:

۱. بسیاری از کشورها مالیات جداگانه‌ای بر منافع سرمایه‌ای وضع نموده‌اند. سایر کشورها این منافع را به همان نرخ‌های مربوط به درآمدهای عادی مشمول مالیات قرار می‌دهند؛

۲. تفاوت در قوانین مالیاتی مرتبط با عایدی سرمایه افراد و قوانین مالیاتی مرتبط با عایدی سرمایه شرکت‌ها؛

۳. در برخی از کشورها (کانادا، استرالیا، امریکا) قوانین مربوط به عایدی سرمایه بخشی از قانون کلی مالیات بر درآمد است، اما در برخی دیگر از کشورها مانند انگلستان بر عایدی سرمایه به موجب قوانین مجازی (متفاوت از قوانین مربوط به مالیات بر درآمد) مالیات وضع می‌شود.

۴. برخی از کشورها مالیات بر منافع سرمایه‌ای را فقط در مورد فروش دارایی‌های معینی اعمال می‌کنند که از آن جمله می‌توان اموال غیرمنقول، کشتی، اوراق بهادر و آثار هنری را نام برد (رضایی و خادمی، ۱۳۹۰).

بررسی مفاد قانونی نشان می‌دهد لایحه اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ و همچنین اصلاحات بعدی آن، در تاریخ ۱۳۹۱/۰۸/۱ با هدف ساماندهی معاملات سوداگرانه در قانون مورد توجه قرار گرفته است. یکی از دغدغه‌های مندرج در مواد مختلف این لایحه، ساماندهی معاملات سوداگرانه در بازار مسکن است.

در ماده ۷^۱ و ۹ لایحه و همچنین در ماده ۵ الحاقی لایحه، درخصوص ساماندهی تعداد معاملات افراد و ارزش معاملاتی آن، ارزش معاملاتی املاک، وضع مالیات بر ثروت و دارایی افراد مورد توجه قرار گرفته است. بررسی مفاد هر یک از این مواد نشان می‌دهد که یک نکته مهم که چگونگی مدیریت و محدودیت و وضع مالیات بر فعالیت‌های سوداگرانه می‌باشد مغفول مانده است. در طراحی قانونی نظام مالیات بر عایدی سرمایه باید معیارهای زیر رعایت شود:

۱. حذف آثار تورمی و لحاظ استهلاک در افزایش عایدی سرمایه؛
۲. هدف‌گیری معاملات سوداگرانه با تمیز قائل شدن میان بلندمدت و کوتاهمدت؛
۳. تعریف درآمد مشمول مالیات به نحوی که هزینه‌های تعمیر نگهداری را از شمول مالیات خارج کند و انگیزه‌های نگهداری دارایی با هدف اجتناب مالیاتی را کاهش دهد؛
۴. تعریف معافیت‌های مالیاتی با هدف ترغیب انگیزه‌های مصرفی و سرمایه‌ای و کاهش انگیزه سوداگرانه؛
۵. وضع مالیات بر عایدی سرمایه بر اشخاص حقیقی و حقوقی؛
۶. حذف انواع مالیات بر نقل و انتقال؛
۷. برخورد یکسان با عایدی انواع دارایی‌های افراد.^۲

باتوجه به اهمیت موضوع، طرح قانون مالیات بر عایدی سرمایه در جلسه مورخ ۱۳۹۹/۷/۲۹ با اصلاح در عنوان و متن به تصویب کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی رسید. عنوان فصل اول باب دوم قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۴۰۶ / ۱۲ / ۰۳ با اصلاحات و الحالات بعدی آن به «مالیات بر عایدی سرمایه» اصلاح و ۹ ماده که درخصوص مشمولین مالیات، مدت تملک دارایی، نرخ پایه مالیات، مبنای محاسبه عایدی املاک، نقل و انتقال و ... به آن الحق شد.

گرچه دامنه انواع دارایی‌های مشمول مالیات بر عایدی سرمایه با توجه به اهداف مدنظر کشورها متفاوت است، اما بررسی نظام‌های مالیاتی برخی از کشورها نشان می‌دهد که طیف وسیعی از دارایی‌ها با در نظر گرفتن برخی استثنایات، در پایه مالیات بر عایدی سرمایه قرار دارند. با این وجود، املاک و مستغلات و همچنین سهام دو دارایی عمده‌ای هستند که تقریباً در تمام کشورها، در پایه مالیات عایدی سرمایه حضور دارند (زایر و همکاران، ۱۳۹۸). برخی از دارایی‌ها در چارچوب‌های خاص و به دلایل مختلف از پرداخت مالیات بر عایدی سرمایه معاف هستند. قاعده کلی این است که

^۱ در ماده ۷ لایحه پیش‌بینی شده است که اگر شخصی در یک سال بیش از دو معامله انجام دهد، از معامله سوم به بعد به ازای هر معامله اضافی ۵ درصد به نرخ مالیات بر نقل و انتقال قطعی املاک اضافه می‌شود و حداکثر آن در معامله یازدهم به ۵۰ درصد ارزش معاملاتی ملک می‌رسد.

^۲ لایحه اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم و اصلاحات بعدی آن، دوره نهم، سال اول، ۱۳۹۱، کد موضوعی ۲۲۰

دارایی‌های که برای استفاده شخصی خردباری می‌شوند و همچنین دارایی‌هایی که از آنها در فرآیند تولید کالا و خدمات استفاده می‌شود (تجهیزات، ماشین‌آلات و دارایی‌های ثابت)، در پایه مالیات بر عایدی سرمایه قرار نگیرند. همچنین دارایی‌هایی که با زیان سرمایه‌ای مواجه شده‌اند، از پرداخت این نوع مالیات معاف می‌شوند.

جدول ۲. دارایی‌های مشمول مالیات بر عایدی سرمایه

املاک و مستغلات (زمین و ساختمان)	مستحداثات عمده در عرصه (زمین)
سرفلی	مجموعه اشیاء قیمتی (لکسیونی)
ارزهای خارجی	معدن و یا حقوق استفاده از معدن
طلاء، جواهر و زیورآلات (سرمایه‌گذاری)	اجاره مجوزهای قانونی
سهام و انواع اوراق بهادر	صندوقهای سرمایه‌گذاری
حقوق قراردادی	جوائزها

منبع: یافته‌های تحقیق

علیرغم اینکه در برخی از کشورها، نظیر استرالیا، آمریکا، انگلستان و غیره، اغلب دارایی‌های افراد مشمول مالیات بر عایدی سرمایه هستند، اما در تمام کشورهای مجری، بخش قابل توجهی از پایه مالیات بر عایدی سرمایه را املاک و مستغلات و سهام تشکیل می‌دهند. بدون تردید، در صورتی که مالیات بر عایدی سرمایه تنها بر برخی از اقلام موجود در سبد دارایی‌های افراد وضع شود، ترکیب دارایی‌های افراد به نفع دارایی‌های معاف از مالیات تغییر پیدا خواهد کرد و این موضوع به نوبه خود پیامدهای منفی زیادی بر رفتار سرمایه‌گذاری، تورم، رشد اقتصادی و غیره بر جای خواهد گذاشت. در این راستا، لازم به ذکر است هرچند املاک و مستغلات و سهام به عنوان بخش لاینفک پایه این نوع مالیات در همه کشورها می‌باشد ولی وجود سایر دارایی‌ها نظیر طلا و ارز به اهمیت و وزن این نوع دارایی‌ها در سبد دارایی افراد بستگی دارد. به‌طور کلی، در شرایط فعلی کشور، توجه به این موضوع در هنگام تصمیم‌گیری راجع به پایه مالیات بر عایدی سرمایه بسیار ضروری می‌باشد.^۱.

^۱ راهنمای طراحی مالیات بر عایدی سرمایه (مروری بر مبانی نظری، تجارب جهانی و الگویی برای ایران)، معاونت پژوهش، برنامه‌ریزی و امور بین‌الملل، دفتر پژوهش و برنامه‌ریزی، ۱۳۹۷

جدول ۳. دارایی‌های غیرمشمول (معاف) مالیات بر عایدی سرمایه

دارایی‌های استهلاک‌پذیر صرف‌آ برای فعالیت‌های مشمول مالیات	مسکن اصلی ^۱
لوازم استفاده/ مصرف شده در ملک اجاری	خودرو و موتورسیکلت شخصی قایق تفریحی
تمام دارایی‌هایی قبل از وضع مالیات بر عایدی سرمایه	برخی زیان‌های سرمایه‌ای ^۲
مجموعه اشیاء قیمتی با ارزش کمتر از یک حد مشخص برای مصرف شخص	دارایی‌هایی خریداری شده

منبع: یافته‌های تحقیق

۱۲. اثرات اقتصادی مالیات بر عایدی سرمایه

در این بخش نشان داده می‌شود که دریافت مالیات بر عایدی سرمایه مانند هر قانون و مقرراتی می‌تواند تأثیرات قابل ملاحظه بر اقتصاد و تصمیم‌گیری فعالان اقتصادی بگذارد. از مهم‌ترین تأثیراتی که می‌تواند این ابزار داشته باشد، از طریق تأثیر بر رشد اقتصادی، توزیع درآمد، انتخاب نوع دارایی، هدایت سرمایه و نقدينگی به فعالیت‌های مولد، کاهش نابرابری اقتصادی، افزایش درآمدهای مالیاتی دولت و افزایش ثبات و پیش‌بینی پذیری می‌باشد که در ذیل به مهم‌ترین آن اشاره خواهد شد:

۱-۱۲. اهرم سیاستی جدید برای سیاست‌گذار

مالیات بر عایدی سرمایه ابزار و اهرمی است که می‌تواند دولت را در جهت مدیریت منابع در بازارهای گوناگون یاری کند. درواقع نقش سیاستی مالیات بر عایدی سرمایه در مقابل نقش درآمدی آن بسیار پررنگ‌تر است. این نوع مالیات زمینه تعیین رفتار مخاطب را فراهم کرده و با کنترل منافع بازیگران اقتصادی سیاستی بهینه در جهت منافع عمومی اتخاذ خواهد کرد. تحرک و جریان سرمایه و همچنین تصمیمات سرمایه‌گذاری بهطور مستقیم از مالیات بر عایدی سرمایه اثرپذیر بوده و این مالیات دستیابی سرمایه‌گذاران نوپا به منابع سرمایه‌ای را تحت تأثیر خود قرار داده و از این طریق توانمندی بالقوه رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد، از این‌رو اخذ مالیات از عایدات سرمایه در شرایط تورمی می‌تواند موجب تحملی زیان بر صاحبان سرمایه شود. وقتی اقتصاد در شرایط تورمی باشد، ارزش اسمی نمی‌تواند نماینده رشد ارزش واقعی باشد و این افزایش

^۱ مسکن ملکی تحت سکونت مالک دارایی و یا با نرخی کمتر از سایر دارایی‌ها

^۲ غیرقابل پذیرش به عنوان هزینه قابل قبول یا قابل کسر از پایه مالیاتی

ارزش اسمی به سبب جبران ارزش در حال تنزیل دارایی در اثر تورم است و نمی‌توان آن را عایدی سرمایه و رشد ارزش واقعی دارایی دانست (بورمن و دبورث^۱، ۲۰۰۴). از این‌رو سیاست‌گذار باید بتواند درخصوص چگونگی به کارگیری از این ابزار در دوره‌های زمانی مختلف و با لحاظ شرایط اقتصادی اقدام نماید.

۲-۱۲. هدایت سرمایه و نقدینگی به فعالیت‌های مولد و رشد اقتصادی

مهم‌ترین پیامد مالیات بر عایدی سرمایه هدایت و تخصیص بهینه منابع است. این نوع مالیات با کاهش ریسک قیمتی در بازار علاوه بر ثبات بخشی به بازارها و کمزنگ کردن فعالیت‌های غیرمولود و سوداگرانه، موجب بهبود محیط کسب و کار می‌شوند.^۲

دولتها برای ایجاد فرصت و از میان بردن ضعف‌ها و تهدیدها در بخش‌های مختلف اقتصاد، ابزارهای متنوعی دارند. ابزاری برای دولت با ارزش‌تر است که بتواند در زمان کوتاه و با کمترین هزینه، بهترین اثربخشی را داشته باشد. مالیات بر عایدی سرمایه ابزار و اهرمی است که می‌تواند دولت را در مدیریت منابع در بازارهای گوناگون باری کند. درواقع نقش سیاستی و تنظیم‌گری مالیات بر عایدی سرمایه، در مقابل نقش درآمدی آن بسیار پررنگ‌تر است. معافیت برخی درآمدها از مالیات، موجب انحراف سرمایه‌گذاری در اقتصاد می‌شود، بهویژه آنکه معافیت مالیاتی، بر فعالیت‌هایی اعمال شده باشد که برای اقتصاد ارزش افزوده مشخص و قابل توجیه ندارد. وضع مالیات بر عایدی سرمایه با تمرکز بر فعالیت‌های غیرمولود، موجب تغییر این شرایط شده و فضایی را فراهم می‌کند که سرمایه‌ها، دیگر انگیزه‌ای برای حرکت به سمت اقدامات سوداگرانه و بدون منفعت برای کل اقتصاد نداشته باشد.^۳

وایتهد (۲۰۱۷)^۴ بیان می‌کند که با اعمال مالیات بر عایدی سرمایه، سرمایه‌ها به سمت مولد بودن حرکت می‌کند. بدین صورت که سرمایه‌گذاری‌های غیرمولود و سوداگرانه که سود سریع به همراه داشته‌اند، مشمول مالیات می‌شوند و فعالیت‌های مولد اقتصادی در همه سطوح برای سرمایه‌گذاری جذاب‌تر خواهند شد. بدین ترتیب صاحبان کسب‌وکار از سرمایه‌گذاری در بلندمدت که با کاهش نوسانات ای همراه است، راضی‌تر خواهند بود.

¹ Leonard Burman & Deborah Kobes

^۲ گزارش واکاوی ابعاد اقتصادی اخذ مالیات بر عایدی سرمایه با تأکید بر بخش املاک

^۳ گزارش معاونت پژوهش، برنامه ریزی و امور بین‌الملل سازمان امور مالیاتی، ۱۳۹۷

⁴ Matthew C. Whited. 2017, The actual implications of a capital Gains Tax

کanal‌های مهمی که از طریق آنها مالیات بر عایدی سرمایه می‌تواند، رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد، سرمایه‌گذاری و پس‌انداز می‌باشند. مالیات بر عایدی سرمایه از دو کanal عمده می‌تواند سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار دهد:

یکی از طریق افزایش در هزینه سرمایه است، هنگامی که نرخ مالیات بر عایدی سرمایه افزایش می‌باید بازدهی سرمایه‌گذاری کاهش یافته و هزینه سرمایه‌گذاری کاهش یافته و هزینه سرمایه افزایش می‌باید. هنگامی که بازدهی سرمایه‌گذاری کم باشد سرمایه‌گذاری و حجم سرمایه در اقتصاد کاهش می‌باید. در شرایطی که کشش سرمایه نسبت به هزینه سرمایه اندک باشد، تحلیل فوق چندان نمی‌تواند مقبول باشد. مکانیسم دومی که از طریق آن مالیات بر عایدی سرمایه می‌تواند سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار دهد اثر قفل شدن دارایی‌ها است. همان‌طور که قبلًا نیز بیان شد این بهدلیل تحیریک نمودن سرمایه‌گذاران در به تأخیر اندختن فروش دارایی‌های مشمول مالیات بر عایدی سرمایه است. این استدلال زمانی صحیح است که نرخ بازدهی مربوط به سرمایه‌گذاری‌های ریسکی جدید به اندازه کافی بزرگ نیست تا هزینه مالیات پرداخت شده به دلیل فروش دارایی قبلی (مالیات بر عایدی سرمایه) را جبران نمایند.

همچنین برای جلوگیری از اثر منفی مالیات بر عایدی سرمایه بر رشد اقتصادی باید نرخ مالیات به گونه‌ای تعریف گردد که شاهد خروج سرمایه‌های بومی و کاهش ورود سرمایه‌های خارجی و یا به عبارت دیگر کاهش جریان سرمایه شکل نگیرد (رضایی و خادمی، ۱۳۹۰).

۱۲-۳. کاهش نابرابری اقتصادی ناشی از ثروت و دارایی

با افزایش قیمت دارایی‌ها در دست صاحبان دارایی و عدم دریافت مالیات، انگیزه‌ها برای کسب سود از تولید و ایجاد ارزش افزوده، به سمت افزایش قیمت دارایی بدون ایجاد ارزش افزوده حرکت می‌کند و بدین ترتیب، ثروتمندان ثروتمندتر می‌شوند و فقرا فقیرتر می‌گردند. بنابراین یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در بررسی نظام مالیاتی، اثرات آن بر نحوه توزیع درآمد و ثروت در اقشار مختلف است. صاحبان سرمایه و ثروت قدرت بالاتری برای کسب سود از محل عایدات سرمایه‌ای و ثروت خود دارند؛ در صورتی که اقشار کم درآمد از فرصت کسب سود از سرمایه بی‌نصیب هستند.

با توجه به هدف نظام مالیاتی در بهبود نحوه توزیع درآمد، وقتی افزایش ناگهانی ثروت برخی از خانوارها هیچ ارتباطی با تلاش و فعالیت اقتصادی آنها ندارد، لازم است نظام مالیاتی عکس‌العمل مناسب نشان دهد^۱. عدم اخذ مالیات بر عایدی سرمایه، درآمد اقشار و دهکه‌های بالای جامعه را

^۱. گزارش مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن وزارت راه و شهرسازی، ۱۳۸۹

افزایش داده در حالی که دهکهای پایین از چنین درآمدی بی بهره خواهند ماند (عبدی و عسکری آزاد، ۱۳۸۷).

براساس مطالعات جدید موسسه بروکینگ^۱ دریافت مالیات بر عایدی سرمایه و افزایش آن باعث کاهش نابرابری درآمدی خواهد شد. مطالعات و تحقیقات گستره علمی و پژوهشی در آمریکا نشان می‌دهد که مالیات بر عایدی سرمایه موجب کاهش شکاف درآمدی و گسترش ثروت در جامعه می‌شود. همچنین نتایج تجربی نشان می‌دهد که برخلاف ادعای مخالفان، اعمال و افزایش نرخ مالیات بر عایدی سرمایه تاثیری بر کاهش سرمایه‌گذاری نداشته است.^۲

۴-۱۲. افزایش درآمدهای مالیاتی دولت

مطالعات خارجی افزایش درآمد مالیاتی از محل اخذ مالیات بر عایدی سرمایه را چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیرمستقیم تأیید می‌کنند و آن را راهکاری برای جبران کسری بودجه می‌دانند. به عنوان نمونه نتایج پژوهش مؤسسه تحقیقات اقتصادی آفریقای جنوبی نشان می‌دهد مالیات بر عایدی سرمایه علاوه بر آنکه به طور مستقیم برای دولت درآمد ایجاد می‌کند، به صورت غیرمستقیم نیز باعث افزایش درآمد مالیاتی دولت می‌شود. درواقع با دریافت مالیات بر عایدی سرمایه، انگیزه تبدیل درآمدهای مشمول مالیات به عواید سرمایه‌ای معاف از مالیات، از بین می‌رود و در نتیجه، پایه مالیاتی فعالیت‌های مولدهای مالیات بر درآمد، گسترش می‌یابد؛ از این طریق با افزایش سرمایه‌گذاری‌های مولدها، درآمدهای فعالیت‌های اقتصادی مشمول مالیات افزایش می‌یابد و به تبع آن درآمد مالیاتی دولت بیشتر می‌شود.^۳

۵-۱۲. افزایش ثبات و پیش‌بینی‌پذیری

نوسانات شدید قیمت‌ها امکان برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری را از فعالان اقتصادی می‌گیرد و زمینه را برای حضور سوداگران مساعد می‌کند. مالیات بر عایدی سرمایه با حذف انگیزه‌های سفت‌بازی و سوداگرانه موجب گسترش آزادی عمل تقاضای واقعی می‌شود. در ادبیات اقتصادی اعتقاد بر آن است که نوسانات و شوک‌های ادواری در بخش‌های مختلف اقتصادی مانند مسکن عموماً تحت تأثیر شوک‌های تقاضا و سوداگری در این بازار قرار دارد و مهم‌ترین ابزاری که برای مدیریت و کنترل آن در اختیار دولتها می‌باشد، نظام مالیاتی است.

¹ Brookings

² <https://www.dailykos.com/stories/2015/9/29/1426011/-Studies-Raise-capital-gains-tax-rates-to-lower-income-inequality>

³ Economics Policy Research Institute, 2000

۶-۶. حبس دارایی یا قفل کردن مبادله دارایی

از اثرات قابل توجه اقتصادی مالیات سود سرمایه این است که برای صاحبان سرمایه ایجاد انگیزه می‌کند تا سرمایه‌گذاری‌های فعلی خود را حتی اگر فرصت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری سودآورتر در دسترس باشد حفظ کنند. اقتصاددانان این پیامد را اثر قفل دارایی^۱ می‌نامند. با توجه به اینکه به عواید سرمایه در زمان تحقق، مالیات تعلق می‌گیرد، ممکن است فردی که ارزش اوراق بهادرش افزایش یافته، برای فروش آن بی‌میل باشد. زیرا در زمان فروش، شخص باید مالیات پرداخت نموده و با نگاه داشتن سرمایه می‌تواند پرداخت مالیات را تا زمانی دیگر به تعویق اندازد. نرخ بازده در سرمایه‌گذاری اولیه و جدید و افق زمانی سرمایه‌گذاری از جمله شاخص‌هایی هستند که در اندازه اثر قفل‌شوندگی دارایی‌ها تأثیر دارند. هزینه‌های مالی مالیات عایدی سرمایه از تخصیص مجدد سرمایه از کم‌بازده به پریازده جلوگیری نموده و سبب می‌شود سرمایه‌ای که در سرمایه‌گذاری‌های جاری قفل شده برای فرصت‌های سودآورتر مجدد تخصیص نیافته و عملکرد اقتصادی کاهش می‌یابد. از این‌رو اثر قفل دارایی به طور قابل توجهی مانع رشد اقتصادی می‌شود. از این‌رو با توجه به اینکه سرمایه‌گذاری‌های جدید موتور بهره‌وری، اشتغال و ثروت هستند مالیات بر عایدی سرمایه، رفاه اقتصادی را کاهش می‌دهد (ولدھوس و همکاران، ۲۰۰۷^۲). همچنین همواره این نگرانی وجود دارد که نرخ‌های بالای مالیات از عواید سرمایه باعث کاهش تمایل افراد برای ریسک‌پذیری و کارآفرینی شود (استیگلیتز، ۱۳۹۲: ۲۷۴).

۷-۱۲. اثر بر ریسک‌پذیری

اگر بازده دارایی‌های ایمن صفر باشد و دولت گرفتن مالیات از عواید سرمایه و اعطای یارانه به ضررها سرمایه را با نرخی یکسان انجام دهد، در این صورت، مالیات‌بندی سرمایه باعث تشویق ریسک‌پذیری خواهد شد. در نتیجه این سیاست، دولت به عنوان شریکی ساکت عمل خواهد کرد. در عمل، تمهیدات برای امکان کسر ضرر محدود هستند (استیگلیتز، ۱۳۹۲: ۲۷۵).

با توجه به آنچه بیان شد می‌توان اعلام کرد که اثر خالص مالیات بر عایدی سرمایه، بازداشت از ریسک‌پذیری بوده و اثر ثروتی مالیات بر عایدی سرمایه می‌تواند به کاهش ریسک‌پذیری منجر شود. نکته اصلی در کاهش مالیات بر عایدی سرمایه، کاستن از میزان کلی تصاعدی بودن نظام مالیاتی است. زیرا بیشتر عواید سرمایه نصیب طبقه بسیار ثروتمند شده و افراد فقیر کمتر مایل به تحمل ریسک هستند.

¹ lock-in effect

² Veldhuis, Goldin, Clemens

نتیجه‌گیری

در تبیین اهداف اقتصاد اسلامی اختلاف نظر وجود دارد ولی با توجه به طبقه‌بندی این اهداف در سه دسته عالی، میانی و عملیاتی؛ شاخص‌ها و معیارهایی برای تحقق و نشان دادن هر یک از این سه دسته هدف مشخص شد. تحقق رفاه عمومی، عدالت، رشد و امنیت اقتصادی و سایر اهدافی که می‌تواند به عنوان هدف عملیاتی ذکر گردد و در راستای تحقق هدف عالی و میانی باشد سبب شده است که هر ابزاری که بتواند علاوه بر تطابق با ملاحظات و دستورات شرعی، کارآمدی لازم و تحلیل هزینه - فایده از به کارگیری را داشته باشد، بررسی و مورد استفاده قرار گیرد. عملکرد هر ابزار نیز براساس معیارهای کمی تعریف شده تا بتواند وضعیت اقتصادی هر کشور را گزارش نماید.

ایران از محدود کشورهایی است که از عواید سرمایه‌ای مالیاتی دریافت نمی‌کند. دریافت این مالیات باید با عدالت، بازنمایی درآمد و ثروت در جامعه و هماهنگی با سیستم مالیاتی در جهت کنترل و جلوگیری از سوداگری و سفت‌بازی شکل گیرد. عدم دریافت این مالیات می‌تواند باعث شود بازار دارایی‌های مختلف به محلی برای سفت‌بازی و سوداگری تبدیل شود. اجرای هر سیاست اقتصادی مؤثر و کارآمد باید بر مبنای نظریات علمی دقیق، شواهد میدانی، تجربیات مالیاتی داخلی و خارجی و در نظر گرفتن شرایط ویژه اقتصاد کشور و توجه به تحقق زیرساخت‌های لازم شکل گیرد. ریسک پائین و سود بالای فعالیت‌های غیرمولود و سوداگریهای غیرمولد در اقتصاد ایران، زمینه تضعیف فعالیت‌های مولود و تولیدی را به وجود آورده است.

از جهت انطباق مالیات بر عایدی سرمایه با مالیات‌های اسلامی (خمس) می‌توان بیان کرد که به‌طور کلی می‌توان این مالیات را بخشی از خمس دانست که البته در مواردی ممکن است از قوانین مرتبط با خمس نظیر شمول افراد حقوقی، تعلق مالیات و سال مالیاتی پیروی نکرده و در بقیه موارد نیز با توجه به اختیاراتی که توسط قانون شکل می‌گیرد درجه انطباق‌پذیری بیشتر می‌شود. از سوی دیگر اثرگذاری این مالیات بر برخی از متغیرها تحت تأثیر روش‌های متفاوت وضع مالیات بر عایدی سرمایه می‌باشد.

در مجموع این ابزار اگر بتواند اهداف اصلی وضع آن که کنترل تقاضای سوداگری و سرمایه‌ای و محدودشدن فعالیت‌های غیرمولود و غیرتولیدی می‌باشد را محقق سازد، در راستای اهداف اقتصاد اسلامی رفتار کرده است.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. استیگلیتز، ژوزفای (۲۰۰۰). اقتصاد بخش عمومی (ج ۲)، ترجمه محمدمهری عسکری، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳. الامام الخمینی (۱۳۷۹). تحریرالوسيله، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمینی (قدس سره).
۴. بهجت (۱۴۲۸ ه.ق). استفتائات، دفتر حضرت آیة الله بهجت، قم.
۵. پورفرج، علیرضا، (۱۳۸۹)، جایگاه مالیات‌های اسلامی و متعارف و ارتباط متقابل آنها، مجموعه مقالات دومین همایش مالیات‌های اسلامی، دانشگاه مفید، قم.
۶. پورفرج، علیرضا، انصاری سامانی، حبیب و ابراهیم پور سامانی جمشید، (۱۳۸۸)، اثر نوآوری بر رابطه میان عدالت و رشد اقتصادی، کار و جامعه.
۷. تقوی، مهدی و درویشی، باقر و شهیگی تاش، محمد نبی (۱۳۸۸). بررسی مالیات بر عایدی سرمایه، فصلنامه تخصصی مالیات، دوره جدید، شماره هفتم، (مسلسل ۵۵).
۸. جعفری صمیمی، احمد (۱۳۸۸). اقتصاد بخش عمومی (۱)، انتشارات سمت.
۹. الحائری، الشیخ مرتضی (۱۴۱۸ ه.ق) کتاب الخمس مؤسسه النشر الاسلامی، قم.
۱۰. الحسینی السیستانی، سیدعلی (۱۴۱۷ ه.ق). منهاج الصالحین، قم، مکتب آیت الله العظمی السید السیستانی.
۱۱. حسینی، سیدرضا (۱۳۸۷). معیارهای عدالت اقتصادی از منظر اسلام (بررسی انتقادی نظریه شهید صدر)، فصلنامه علمی- پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال هشتم، شماره ۳۲.
۱۲. حسینی، سیدرضا (۱۳۸۸). مجموعه مقالات دومین همایش مالیات‌های اسلامی: جایگاه مالیات‌های اسلامی و متعارف و ارتباط متقابل آنها، انتشارات دانشگاه مفید.
۱۳. حقیقت، جعفر و توتونچی ملکی، سعید (۱۳۹۳). معرفی پایه مالیاتی جدید: چگونه در ایران مالیات بر عایدی سرمایه را پایه‌گذاری کنیم؟، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشنامه مالیات، جلد ۲۲، شماره ۲۱، صص ۳۹-۶۸.
۱۴. حکیمی، محمدرضا و محمدعلی و علی حکیمی، الحیاء، چاپ اول، تهران، مکتب نشر الثقافة الاسلامیه، ۱۳۶۸ ش، ج ۶، ص ۴۳۰.
۱۵. خرائلی، محمد، احکام قرآن، (۱۳۶۱)، سازمان انتشارات جاویدان، ۱۳۶۱.
۱۶. الخوبی، السيد ابوالقاسم (۱۴۲۸ ه.ق). منهاج الصالحین مع فتاوى الشیخ حسین الوحید الخراسانی، قم، مدرسه الامام باقرالعلوم(ع).

۱۷. رضایی دوانی، مجید و خادمی جامخانه، علی‌اکبر (۱۳۹۰). اصلاح ساختار و بسط پایه‌های مالیاتی در تطبیق با الگوهای مالیات‌های اسلامی با تأکید بر مالیات بر عایدی سرمایه، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشنامه مالیات، شماره ۱۱، صص ۱۲۱-۱۲۹.
۱۸. رضی، ابوالحسن، شریف (۱۳۹۵). نهج البلاغه، تحقیق дکتور صبحی الصالح، قم، مرکز البحثون الاسلامیة.
۱۹. ریاضی، حامد و ملکی، مصطفی (۱۳۸۸)، مبانی مدیریت سرمایه گذاری مالی، تهران: سایه گستر.
۲۰. زایر، آیت و همکاران (۱۳۸۶). معرفی پایه‌های جدید مالیاتی در بخش املاک و عایدی سرمایه، سازمان.
۲۱. شیری زنجانی، سید موسی (۱۴۳۰ ه.ق.). رساله توضیح المسائل، انتشارات سلسیل، قم.
۲۲. شریف‌زاده، محمدجواد و مصطفوی ثانی، علی (۱۳۹۷)، وضع مالیات بر عایدی سرمایه در بازار مالی ایران و برآورد ظرفیت درآمدی آن. مجموعه مقالات یازدهمین همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران.
۲۳. الشهید الاول (محمد بن مکی)، (۱۴۱۲ ق)، الدروس الشرعیة، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ج. ۱.
۲۴. صامتی، مجید؛ صمدی، سعید و شریفی، مرضیه (۱۳۹۴). مالیات بر عایدی سرمایه و تأثیر آن بر قیمت مسکن (مطالعه تطبیقی ایران و کشورهای عضو OECD)، فصلنامه علمی-پژوهشی، پژوهشنامه مالیات، دوره ۲۳، شماره ۲۶ (مسلسل ۷۴)، صص ۶۴-۴۹.
۲۵. صدر، سید‌محمدباقر (۱۳۸۷). اقتصادنا، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم.
۲۶. الطباطبائی الحکیم، السيد محسن (۱۳۹۰ ق)، مستمسک العروه الوثقی، جلد ۹، منشورات مکتبه آیت الله المرعشی، قم، چاپ سوم
۲۷. الطباطبائی اليزدی، السيد محمد‌کاظم (۱۴۳۲ ق). العروه الوثقی مع تعلیقات السيد عبدالکریم الموسوی الاردبیلی، مؤسسه النشر الجامعه المفید، قم.
۲۸. العاملی، الحر، (۱۴۱۴ ه.ق)، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث ج. ۶.
۲۹. عبدی، محمدرضا، عسکری آزاد، حمید، (۱۳۸۷)، کاربرد مالیات بر عایدات سرمایه در اصلاح ساختار تقاضا و تعیین نوسان‌های قیمتی مسکن، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، صص ۴۱-۶۷.
۳۰. عرب مازار، عباس، آیت، زایر، (۱۳۸۷)، برآورد ظرفیت بالقوه اقتصادی مالیات در ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۵۰.

۳۱. غفاری فرد، محمد؛ خاشعی، محمدیوسف؛ صدری، رمضان و علامه، محمدنسیم (۱۳۹۹). شاخص ترکیبی سرمایه مذهبی در استان‌های ایران و رتبه‌بندی آنها با استفاده از الگوهای تصمیم‌گیری چندمعیاره، *فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی*، شماره ۳۰، صص ۲۰۰-۱۸۱.
۳۲. القمی، میرزا ابوالقاسم، (۱۴۱۷ ق)، *غاییم الایام*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ج. ۴.
۳۳. کالیز، جان و جونز، فیلیپ (۱۳۸۸). *مالیه عمومی و انتخاب عمومی*، ترجمه الیاس نادران، آرش اسلامی و علی چشمی، جلد اول، انتشارات سمت.
۳۴. المجلسی، محمدباقر، (۱۴۲۱ ق)، *بحار الانوار*، بیروت: دار التعارف، ج. ۳۹.
۳۵. مصطفوی ثانی، علی (۱۳۹۲). *امکان سنجی شرعی و اجرایی وضع مالیات بر عایدی سرمایه در بازارهای مالی ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۳۶. المنتظری، حسینعلی، (۱۴۱۱ هـق)، *دراسات فی ولایه الفقیه و فقهه الدوله الاسلامیه*، الجزء الثالث، دارالفکر، قم.
۳۷. منظری، حسینعلی (۱۳۷۳). *رساله استفتاثات*، نشر تفکر، قم.
۳۸. میرمعزی، سیدحسین، (۱۳۷۸)، *نظام اقتصادی اسلام* (دفتر سوم)، مبانی مکتبی، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۳۹. النجفی، محمدحسن، (۱۹۸۱ هـق)، *جواهر الكلام*، بیروت: دار الاحیاء التراث العربي، چاپ هفتم.
۴۰. یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۷). "اهداف اقتصادی حکومت اسلامی"، *فصلنامه حکومت اسلامی*، سال سیزدهم، شماره چهارم.
۴۱. یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۷ ب). *نظام اقتصادی علوی* (مبانی، اهداف و اصول راهبردی) ، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ سوم.
۴۲. الیزدی، سید محمدکاظم، *العروة الوثقى*، (۱۴۰۹ ق)، بیروت: مؤسسه الاعلمی، ج دوم، ج. ۲.
43. Allen, A., Francis, B., Wu, Q., Zhao, Y. 2016. Analyst coverage and corporate tax aggressiveness. *J. Bank. Finance* 73, 84–98.
44. Aron-Dine, A (2007), the effects of the capital gains and dividend tax cuts on the economy and revenues, Revised 12 July
45. Attai, G., (2007), Towards Realization of the Higher Intents of Islamic Law. (N. Roberts, Trans). London: IIIT.
46. Auerbach, Alan. J. (1989). Capital Gains Taxation and Tax Reform. *National Tax Journal*, Vol. 42, 391-401.
47. Bhootra, Ajay,(2013), On the Role of Intangible Information and Capital Gains Taxes in Long-Term Return Reversals, *Financial Management*, Volume 42, Number 3, 1 September 2013, pp. 537-573(37).

48. Burman, Leonard and Deborah Kobes (2004), "Preferential Capital Gains Tax Rates", Tax Policy Center, January.
49. Geoffrey M. Hodgson, 2014, what is capital? Economists and sociologists have changed its meaning: should it be changed back?, Cambridge Journal of Economics, Volume 38, Issue 5, September 2014, Pages 1063–1086
50. Hasanuzzaman, S., (1984), "Definition of Islamic Economics", Journal of Research in Islamic Economics, Vol. 1, No. 2, pp.49–50.
51. <https://www.dailykos.com/stories/2015/9/29/1426011/-Studies-Raise-capital-gains-tax-rates-to-lower-income-inequalit>
52. Jane G. Gravelle, (2018), Capital Gains Taxes: An Overview Senior Specialist in Economic Policy March 16.
53. Ka Yui Leung, Charles, and Guang Jia Zhang, (2000), "Inflation and capital gains taxes in a small open economy." International Review of Economics and Finance 9.
54. Matthew C. Whited. (۲۰۱۷), the actual implications of a capital Gains Tax
55. Turner, Magda; Coldwell, David; Maroun, Warren, (2014), Capital gains tax in South Africa: perceptions of fairness? South African Journal of Economic and Management Sciences, Volume 17, pp. 124-139 (16).
56. Veldhuis, Niels. Goldin, Keith. Clemens, Jason (2007). The Economic Costs Of Capital Gains Taxes, Studies in Entrepreneurship Markets, Number 4.